

برای چاپ چهارم

طبع چهارم این وظیفه را در برابر من قرار داده بود که متن و حواشی کتاب را تا حد ممکن به صورت قطعی تنظیم نمایم. اکنون در چند کلمه توضیح می‌دهم چگونه از عهده‌ی انجام این وظیفه بر آمده‌ام.

پس از آن که دوباره چاپ فرانسه و حواشی خطی مارکس را مقابله کردم باز مطالبی چند که از چاپ فرانسه اقتباس شده است به متن آلمانی کتاب الحاق نمودم. این ملحقات را می‌توان در صفحه‌ی ۸۰ (چاپ سوم صفحه‌ی ۸۸) و صفحات ۴۵۸-۴۶۰ (چاپ سوم صفحات ۵۰۹-۵۱۰) و صفحات ۴۴۷-۴۵۱ (چاپ سوم صفحه‌ی ۵۹۶) و صفحات ۵۹۱-۵۹۳ (چاپ سوم صفحه‌ی ۶۴۴) و صفحه‌ی ۵۹۶ (چاپ سوم صفحه‌ی ۶۴۸ ضمن حاشیه‌ی ۷۹) پیدا کرد.

هم چنین بنا بر سابقه‌ی نسخه‌های فرانسه و انگلیسی (چاپ سوم صفحات ۵۰۹-۵۱۰) (چاپ چهارم صفحات ۴۶۱-۴۶۷)، حاشیه طولانی مربوط به کارگران معدن را در متن کتاب وارد کرده‌ام. تغییرات کوچک دیگری که داده شد صرفاً دارای جنبه‌ی فنی است.

به علاوه من باز برخی حواشی توضیحی از جمله در جایی افزوده‌ام که به نظر می‌رسید تغییرات اوضاع تاریخی چنین عملی را ایجاب می‌کند. کلیه این حواشی الحاقی ما بین دو هلال گوشه دار گذشته شده و دنبال آن حروف اول اسم من و یا حروف (D. H.) قرار داده شده است.

ترجمه ی انگلیسی که در این فاصله انتشار یافت درباره ی بسیاری از نقل قول ها تجدید نظر کاملی را ایجاب نمود. در مورد ترجمه ی انگلیسی کتاب کوچک ترین دختر مارکس اله آنور* زحمت مقابله کلیه قسمت های نقل شده را با اصل مأخذ آن ها به عهده گرفت به طوری که در ترجمه ی مزبور مراجعات به منابع انگلیسی که بیش از همه در کتاب دیده می شود یک بار دیگر از زبان آلمانی ترجمه نگردیده بلکه عین متن اصلی به جای آن گذارده شده است. بنابر این لازم بود که من برای طبع چهارم به این متن مراجعه کنم و بدین طریق نادرستی های کوچک بسیاری کشف گردید. بعضی مراجعات به صفحات صحیح نبود، خواه از این جهت که جزوه ها را بد استنساخ کرده بودند و یا از لحاظ این که غلط های چاپی در ضمن سه چاپ انباشته شده بود، گیومه ها یا نقطه های تعلیق بی جا استعمال شده بود، هم چنان که وقتی قول اشخاص به مقدار زیاد از روی مستخرجه جزوه ها نقل می شود این گونه اشتباهات غیرقابل اجتناب است. این جا و آن جا ضمن ترجمه کلمه ی نارسائی انتخاب شده بود. در برخی موارد مطالب از روی جزوه های قدیمی پاریس متعلق به سال های ۴۵- ۱۸۴۳ نقل گردیده بود، یعنی زمانی که مارکس هنوز به زبان انگلیسی آشنائی نداشت و کتب اقتصادیون انگلیسی را از روی ترجمه فرانسه آن ها می خواند و ناگزیر ترجمه دوگانه تغییرات مختصری در لحن و سیاق کلام به وجود می آورد مانند مطالبی که از استیوارت** و ویور*** و غیره نقل شده بود. در این موارد اکنون لازم بود به اصل متن انگلیسی مراجعه شود. به همین قیاس بعضی نادرستی ها و بی مبالاتی های کوچک دیگر نیز از همین نوع وجود داشت.

حالا اگر طبع چهارم را با چاپ های پیشین مقایسه کنند به این نکته پی خواهند برد که با وجود این همه زحمت که در تصحیح کتاب کشیده شده مختصر تغییری که ارزش

Eleanor -*

Steuart -**

Ure -***

گفتن داشته باشد در آن روی نداده است. تنها قسمتی که از قول ریچارد جونس نقل شده (طبع چهارم صفحه ۵۰۲ حاشیه ۴۷) به دست نیامد. احتمال دارد مارکس در نوشتن عنوان کتاب اشتباه کرده باشد. کلیه مراجعات دیگر هم چنان به قدرت کامل استدلالی خود باقی هستند و یا در شکلی دقیق کنونی خویش بر استحکام دلایل افزوده اند.

ولی این جا مجبور هستیم به داستان کهنه ای برگردیم. در واقع من بیش از یک مورد نمی شناسم که در صحت نقل قول های مارکس تردیده شده باشد. ولی چون این جریان پس از مرگ مارکس نیز ادامه یافته است به هیچ رو نمی توانم درباره ی آن سکوت کنم.

در مجله کونکوریدیای* برلن ارگان اتحادیه کارخانه داران آلمان در هفتم مارس ۱۸۷۲ مقاله بی امضائی تحت این عنوان "چگونه کارل مارکس نقل قول می کند" انتشار یافت. در این مقاله با تظاهر شگفت انگیزی به جریحه دار شدن احساسات اخلاقی و با بیانی خارج از نزاکت چنین ایراد شده است که آن قسمت از نطق ۱۶ آوریل ۱۸۶۳ گلاستون** در خصوص بودجه (که در خطابه گشایش اتحادیه ی بین المللی کارگران ۱۸۶۴ آمده است و سپس در کتاب کاپیتال جلد اول صفحه ۶۱۴ طبع چهارم و ۶۷۱ چاپ سوم نقل گردیده) مجعول است.

می گفتند عبارت: "این ازدیاد مست کننده ثروت و قدرت... فقط محدود به طبقات توانگر است" به هیچ وجه در صورت جلسه تند نویسی شده و (نیم رسمی) هانسارد*** وجود ندارد. این جمله در هیچ قسمت از نطق گلاستون نیست و درست مخالف آن گفته شده است" و سپس با حروف برجسته چنین نوشته اند: "این جمله را مارکس هم از لحاظ صورت و هم از جهت معنی به تزویر الحاق کرده

Concordia - *

Gladstone - **

Hansard - ***

است." این شماره کونکورדיا در ماه مه بعد برای مارکس ارسال شده بود. او در فولکس شتات* اول ماه ژوئن به نویسنده گمنام جواب داد. ولی چون به خاطر نداشت که این قسمت را از روی چه روزنامه ای نقل کرده است بدو قناعت به بررسی این موضوع نمود که مطلب نقل شده با مضمونی یکسان در دو نوشته انگلیسی انتشار یافته است و سپس به نقل از گزارش روزنامه تایمز پرداخت که بر طبق آن گلاستون اظهار می کند:

„That is the state of the case as regards the wealth of this country. I must say for one, I should look almost with apprehension and with pain upon this intoxicating augmentation of wealth and power, if it were my belief that it was confined to classes who are in easy circumstances. This takes no cognizance at all of the condition of the labouring population. The augmentation I have described and which is founded, I think, upon accurate returns, is an augmentation entirely confined to classes of property.”

"این است جریان اوضاع درباره ی ثروت این کشور. من از نظر خود باید این نکته را بگویم که به این افزایش ثروت و قدرت مست کننده با نگرانی و تألم می نگرم اگر آن را منحصر به طبقات توانگر بدانم. این افزایش به هیچ وجه ارتباطی با وضع مردم زحمتکش ندارد. این افزایشی که من توصیف نمودم و گمان می کنم مبتنی بر گزارش های دقیق باشد کاملاً منحصر به طبقات داراست."

بنابر این گلاستون در این جا می گوید که اگر چنین می بود اسباب تأسف و می شد ولی چنین است: این ازدیاد مست کننده قدرت و ثروت فقط منحصر به طبقات دولتمند است. و راجع به نیم رسمی هانسارد مارکس چنین می نویسد: آقای

گلدستون در این نطق که بعداً تحریف شده است مهارت به خرج داد و آن چه را که واقعاً از دهان یک نفر وزیر دارائی انگلیس رسوائی داشت کش رفت. به علاوه این کار یکی از عادات دیرینه ی پارلمان انگلستان است و به هیچ وجه از قبیل کشف لاسکرشن* بر علیه بیل** نیست".

به خشم نویسنده بی نام بیش از پیش افزوده می شود. در پاسخ خود (کونکورديا- ۴ ژوئیه) منابع دست دوم را کنار گذارده با عفتی تمام چنین دستور می دهد که (عادت) بر این جاری شده است که نطق های پارلمانی را از روی صورت جلسه تند نویسی شده نقل می کنند و به علاوه گزارش روزنامه تایمز (که در آن عبارت به تزویر الحاق شده) وجود دارد و صورت مجلس هانسارد (که آن قسمت را فاقد است) "کاملاً از جهت مضمون یکی هستند" و نیز ادعا می کند که گزارش روزنامه تایمز "مستقیماً خلاف آن قسمت مشکوکی است که در خطابه گشایش ذکر شده است". در حالی که مردک با دقت تمام در این باره سکوت می کند که در جنب این اختلاف ادعائی "آن قسمت مشکوک" با صراحت تمام در گزارش مزبور ذکر شده است.

ولی با تمام این احوال نویسنده بی نام حس می کند که گیر افتاده است و فقط حيله دیگری ممکن است او را نجات دهد. در حالی که مقاله پر از دروغ های بی شرمانه خود را، هم چنان که واضح ساختیم با دشنام های متین از قبیل: «سوءنیت»، «بی شرافتی»، «بیان اکاذیب»، «در این نقل قول دروغ»، «این دروغ های بی شرمانه»، «نقل قولی که کاملاً ساخته شده است»، «این جعل ردیالنه» و غیره پر می کند لازم می شمارد که دعوی را به زمینه دیگری بکشاند و بالنتیجه وعده می دهد که "در مقاله دیگری نظر خودمان را (یعنی نظر نویسنده بی نامی را که دروغ نمی گوید) در خصوص نطق گلدستون بیان کنیم". مثل این که نظریه خالی از

Laskerchen - *

Bebel - **

صلاحیت این آقای بی نام کمترین ارتباطی با اصل موضوع داشته است. این مقاله ی دوم در کونکورديای ۱۱ ژوئیه وجود دارد. مارکس بار دیگر در فولکس شتات هفتم اوت پاسخ داد و این مرتبه راجع به قسمت مورد بحث گزارش های روزنامه مورنینگ ستار* و مورنینگ آدور تایزر** مورخ هفدهم آوریل ۱۸۶۳ را نقل نمود. بر طبق این دو روزنامه گلاستون می گوید که به این تزاید مست کننده ثروت و قدرت با اضطراب می نگریست اگر باور داشت که منحصر به طبقات توانگر است (classes in cary circumstances) ولی این تزاید فقط محدود به طبقات دولتمند است (entirely confined to classes possessed of property). این گزارش ها نیز کلمه به کلمه "جمله به تزویر الحاق شده" را می آورند. به علاوه مارکس یک بار دیگر با مقایسه متن روزنامه تایمز و هانسارد ثابت می کند که صورت مجلس هانسارد فاقد عبارتی است که گزارش سه روزنامه مستقل از یکدیگر فردای نطق به یک نهج به عنوان اظهارات واقعی ناطق نقل کرده اند و بنا بر "عادت" در آن صورت مجلس تجدید نظر شده و یا به اصطلاح مارکس گلاستون آن عبارت را بعداً (کش رفته است) و در خاتمه اعلام می دارد که دیگر برای ادامه مکاتبه خود با نویسنده بی نام وقت ندارد. ظاهراً این نویسنده هم خود خسته شده بود. به هر حال مسلم این است که شماره های دیگر کونکورديا به مارکس نرسید. چنین به نظر می رسد که این موضوع دیگر مرده و مدفون شده است. اگر چه باز پس از آن کسانی که با دانشگاه کمبریج رابطه داشتند یکی دو بار ما را از پاره ای شایعات اسرار آمیز در خصوص جنایت ادبی عجیبی که گویا مارکس در این کتاب کاپیتال مرتکب شده است با خبر نمودند ولی با وجود کلیه تجسسات مطلقاً نتوانستیم مطلب دقیقی تری در این خصوص بدانیم تا ناگاه در ۲۹ نوامبر ۱۸۸۳، هشت ماه پس

از مرگ مارکس، در روزنامه ی تایمز نامه ای صادر از ترینیتی کالج کمبریج*** به امضاء سدلی تایلور* انتشار یافت. این مردک که در ملایم ترین محیط همکاری و تعاون بار آمده است نخستین فرصت را مورد استفاده قرار داد و نه تنها ما را از نجواگری های کمبریج آگاه نمود بلکه نویسنده ی بی نام کونکوردیا را نیز شناساند.

مردک ترینیتی کالج می گوید: "آن چه بسیار شگفت انگیز به نظر می رسد این است که مقدر شده بود پروفیسور برنتانو (که آن وقت در برسلو بود و اکنون در استراسبورگ است) سوءنیت آشکار مارکس را در نقل نطق گلاستون که در خطابه (افتتاحیه) آمده است افشاء نماید. آقای کارل مارکس که... کوشید از این نقل قول دفاع نماید جسارت را به این درجه رسانید که در حال تشنجات مرگ (deadly shifts) تشنجاتی که در اثر حملات استادانه برنتانو خیلی زود گریبان ویرا گرفت، مدعی شد گلاستون قبل از آن که صورت مجلس هانسارد منتشر شود در متن نطق خویش، که تایمز انتشار داده بود، دست برده و قسمتی را که واقعاً برای یک نفر وزیر دارائی انگلستان رسواکننده بود کش رفته است. هنگامی که برنتانو با مقایسه دقیق متن ها ثابت کرد که گزارش تایمز و صورت مجلس هانسارد مطابق یکدیگرند و معنایی را که آن قسمت با مهارت جدا شده به اظهارات گلاستون داده است کاملاً نفی می کند مارکس به دعوی این که فرصت ندارد عقب نشینی کرد."

پس این بود کنه مطلب. به این صورت افتخارآمیز است که مبارزه قلمی بی نام آقای برنتانو در کونکوردیا در واهمه خلاق و پر از تعاون کمبریج منعکس گشته است. این است مقام وی و چنین است کیفیت تیغ بر کشیدن این سن ژرژ** اتحادیه صنعت گران آلمانی که (به یک حمله استادانه) او مارکس، این ارژدهای دوزخ به سرعت در میان (تشنجات مرگ) از پای در آمد.

Trinity College Cambridge -***

Sedley Taylor -*

Saint Georges -**

با این تفصیل تمام این حماسه سرانی آریوست* مآبانه تنها برای پنهان کردن عقب نشینی های سن ژرژ ماست. این جا دیگر صحبت از "الحاق مزورانه" و "جعل" نیست، بلکه فقط (نقل قولی که ماهرانه انتخاب شده) (craftily isolated quotation) مورد گفتگوست. تمام مطلب تغییر یافته بود و سن ژرژ و عقب دار کمبریجی وی به خوبی از علت آن آگاهی داشتند.

چون روزنامه تایمز حاضر نشد جواب اله آنور مارکس را درج کند مشارالیها در مجله ماهیانه تودی** شماره فوریه ۱۸۸۴ به وی پاسخ داد و بحث را به تنها موضوع مورد نزاع کشانید: آیا مارکس عبارتی را به دروغ الحاق کرده است یا نه؟ آقای سدلی تایلور جواب می دهد که به عقیده او در نزاع بین مارکس و برنتانو "موضوع دانستن این که آیا عبارتی در نطق گلاستون وجود داشته یا نه در مقایسه با این مسئله که نقل قول به قصد تصریح نظر گلاستون یا تحریف آن بوده است در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد" و سپس قبول می کند که گزارش روزنامه تایمز واقعاً محتوی تناقضی در مبادی است. اما اگر مجموع نطق به درستی توضیح داده شود. یعنی اگر مطابق نظریه لیبرال- گلاستونی تعبیر گردد) آن چه را که گلاستون (خواسته است بگوید) می رساند (مجله تودی مارس ۱۸۸۴). مضحک ترین قسمت داستان این جاست که مردک کمبریجی اکنون اصرار می ورزد نطق را از روی صورت مجلس هانسارد که بنا به گفته نویسنده ی بی نام برنتانو (عادت) بر نقل از آن جاری بوده است نیاورد بلکه از گزارش روزنامه ی تایمز نقل کند که باز به قول همان برنتانو (ضرورتاً ماست مالی شده است). این طبیعی است زیرا آن عبارت کذائی در صورت مجلس هانسارد وجود ندارد. اله آنور مارکس پوچ بودن این نحوه استدلال را با کمال سهولت در همان شماره تودی ثابت نمود. یا آقای تایلور موضوع مورد

* - اشاره به (Iudovico) Arioste شاعر دوره ی تجدد ادبی ایتالیاست (۱۵۳۳-۱۴۷۴) که در اثر معروف خود به نام زلاند خشمناک با بیانی پر از بذله و طنز دوران فنودال و ترکتازی نجبا را مورد انتقاد قرار داده است.

** - To- Day

نزاع ۱۸۷۲ را خوانده است در این صورت اکنون نه تنها از راه الحاق بلکه از راه حک مرتکب تزویر می شود و یا این که اصلاً مورد بحث را نخوانده است در این حال موظف بود دهان فرو بندد.

به هر حال مسلم شده بود که وی حتی یک آن هم جرأت پافشاری دربارہ ی اتهام دوست خود برنتانو که مدعی بود مارکس به تزویر چیزی الحاق کرده است نداشت. اکنون او به مارکس از این بابت که چیزی الحاق کرده است ایراد ندارد بلکه به عکس مدعی است که وی عبارت مهمی را حک نموده است. ولی همین عبارت مورد ادعا در صفحه پنجم خطابه گشایش چند سطر قبل از آن قسمتی که مدعی هستند به دروغ الحاق شده نقل گردیده است.

و اما در خصوص تناقضی که در نطق گلاستون مشهود است مگر این خود مارکس نیست که در صفحه ۶۱۸ (صفحه ۶۷۲ چاپ سوم) ضمن حاشیه شماره ۱۰۵ از (تناقضات دائمی و بارز نطق های گلاستون که در خصوص بودجه در سال های ۱۸۶۳ و ۱۸۶۴ ایراد شده است) صحبت می کند ولی برخلاف رویه سدلی تیلور مارکس در صدد این نیست که برای ارضاء خاطر همه تناقضات گلاستون را به شیوه لیبرالی ماست مالی کند. و سپس در پایان جواب خود اله آنور مارکس به شرح زیر نتیجه گیری می کند:

"به عکس مارکس نه چیزی را که شایان ذکر باشد حذف نموده و نه به دروغ مطلبی الحاق کرده است ولی او عبارتی از نطق گلاستون را که مسلماً گفته شده اما به هر تقدیر از صورت مجلس هانسارد ناپدید گردیده است تثبیت کرده و از فراموشی حفظ نموده است".

این بار آقای سدلی تیلور نیز به حساب خود رسید و نتیجه این یاوه سرانی استادمآبانه که مدت بیست سال در دو کشور بزرگ ادامه داشت این شد که دیگر کسی جرأت نکرد عفت نویسندگی مارکس را مورد حمله قرار دهد و هم چنین دیگر

آقای سدلی تایلور مناقشه نامه های ادبی آقای برنتانو را مورد اعتماد قرار نخواهد داد هم چنان که آقای برنتانو معصومیت پاپ آسای هاسنارد تکیه نخواهد کرد*.

فریدریش انگلس

لندن- ۲۵ ژوئن ۱۸۹۰

بازنویس: یاشار آذری

* - یعنی آن را مثل پاپ که بنا به گفته مسیحیان از گناه بری است بی خدشه نمی داند یا به عبارت دیگر این نوشته ها را وحی منزل نمی پندارد.